

بناام خدا

تاریخ جهان باستان کمبریج مصر

ترجمه: دکتر تیمور قادری

انتشارات مهتاب

عنوان و نام پدیدآور	تاریخ جهان باستان کمبریج مصر / مولف [صحیح : ویراستار] استیونسون اسمیت ... [و دیگران] ترجمه تیمور قادری
مشخصات نشر	تهران: مهتاب، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۷۰۰ ص.
شابک	978-600-151-039-7:
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	استیونسون اسمیت، ویلیام سی هابس، سیلبر آلدرد، آراو فالکنتر، جی چرنی اچ آرمل.
یادداشت	عنوان اصلی : The Cambridge ancient history Plate to volumes I and II 1977.
یادداشت	کتابنامه.
یادداشت	نمایه.
موضوع	مصر-- تاریخ -- از آغاز تا ۳۲۲ ق.م.
موضوع	تاریخ باستان .
شناسه افزوده	ادواردز، یوروث ایدون استیون، ۱۹۰۹-۱۹۹۶ م. ویراستار
شناسه نزوده	Edwards, I.E.S.(Irwerth Eiddon Stephen):
شناسه افزوده	قادری، تیمور، ۱۳۳۷ - مترجم.
رده بندی کنگره	۱۳۹۵ ات ۱۸ D۵۷/
رده بندی دیویی	
شماره کتابشناسی ملی	۴۱۸۹۰ :



انتشارات مهتاب

تاریخ جهان باستان کمبریج

ویراسته: استیونسون اسمیت، ویلیام سی هابس سیلبر آلدرد

آد. او فالکنتر، جی چرنی، اچ آدهال

مترجم: دکتر تیمور قادری

ناشر: مهتاب

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

تیراژ: ۲۲۰ نسخه

شابک: ۷-۳۹-۰۱۵۱-۶۰۰-۹۷۸

مرکز پخش: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان شهید وحید نظری، پلاک ۸۵

تلفن: ۶۶۴۹۱۷۴۷-۶۶۴۹۰۶۱۶ فاکس: ۶۶۴۸۷۲۱۸

قیمت: ۵۴۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۹	■ بخش اول؛ پادشاهی کهن در مصر و آغاز نخستین دوره میانی، و. استیونسون اسمیت.....
۹۵	■ بخش دوم؛ پادشاهی میانه در مصر؛ ویلیام. سی. هایس.....
۱۸۵	■ بخش سوم؛ مصر: از مرگ آمون سوم تا سکنتره دوم؛ ویلیام. سی. هایس.....
۲۳۱	■ بخش چهارم؛ دوره آمرونه و پایان سلسله هخامنشی؛ آلدرد.....
۲۸۳	■ بخش پنجم؛ مصر: از آغاز سلسله نوزهم تا مرگ رامسس سوم؛ آر. او. فالکنر.....
۳۲۷	■ بخش ششم؛ مصر: از مرگ رامسس سوم تا پایان سلسله بیست و یکم؛ ج. چرنی.....
۳۹۷	■ بخش هفتم؛ افول مصر؛ اچ. آر. هال.....
۴۲۳	■ کتابنامه.....
۵۱۳	■ فهرست اعلام.....
۵۱۹	■ تصاویر.....

بنام خدا

مقدمه

بی تردید تاریخ و تمدن هر کشوری را می‌توان در دسته قدیمترین‌ها قرار داد؛ چرا که تاریخ این سرزمین، به نوعی بخش یا بخش‌هایی از تاریخ دیگر ملل آسیا در عهد کهن را در بر می‌گیرد؛ با بررسی تاریخ معرود می‌دانیم؛ که این سرزمین هم با آشور و بابل، و هم با میانانی‌ها و هیتی‌ها و هم نویبایی‌ها و دیگر ملل و اقوام سیاهپوست در بخشی از قاره آفریقا در مراحل از تاریخ سیاسی - فرهنگی خود برخورد‌ها و تعاملاتی داشته است.

این تاریخ و تمدن، بر اساس منابع بسیاری از منابع نوشتاری و آثار و نشانه‌های ساختمانی، شناخته و بسیاری از زوایای اش آشکار می‌گردد. در پهنه این تاریخ و تمدن بس کهن، کم نیستند نقش برجسته‌ها، سنگ‌نبشته‌ها، تاس‌ها، هرم‌ها و معابد و مقابر فراغه و نزدیکان‌شان، که همه بسیاری از گوشه‌های تاریخ و تمدن این سرزمین را از سایه روشن خارج می‌سازند.

تاریخ و تمدن این سرزمین با عبور از سه مرحله پادشاهی کهن، پادشاهی میانه، و پادشاهی جدید، به بلوغ و پختگی می‌رسد. هر یک از این سه مرحله پادشاهی، سلسله‌های چندی را در بر می‌گیرند و هر سلسله‌ای هم تعدادی از پادشاهان و فراغه را. این تاریخ مملو است از انواع شیوه‌ها و طرق سیاسی، که هر کدام به ضرورتی و به مصلحتی از سوی پادشاهان به کار بسته می‌شد؛ نظام‌های جانشینی، وصلت‌های سیاسی، و روابط با همسایگان و ممالک آسیایی در این تاریخ، به گونه‌های بسیار بروز و ظهور می‌کنند.

تأیست و شش سلسله، این سرزمین، همچنان در دست فراغه و پادشاهان خود باقی

می ماند؛ پادشاهانی که گرچه سیاست های خاص خود را دنبال می کردند؛ اما یا از مصر علیا می آمدند و یا از مصر سفلی و یا از ممفیس و تب (تبس). برای دوره های کوتاه آشوریان این سرزمین را مورد تاخت و تاز قرار می دهند. در دوران سلسله بیست و نهم است که این سرزمین در مقابل کمبوجیه هخامنشی تسلیم می شود و بعد هم تا پایان دوران امپراتور هخامنشی، با وجود فراز و نشیب ها و دوره هایی از خیزش های استقلال خواهی، همچنان سر به فرمان این امپراتوری پارسی باقی می ماند.

با ورود یونانیان به سرزمین های شرقی، این سرزمین در سیطره فرماندهان اسکندر، بطالسه (بطلمیوسیان) قرار می گیرد. و آغوش به روی هلنیسم می گشاید. بعد از رهایی از سلاطین وونیان، آن هم بعد از چند قرن؛ باز این در دوره ساسانیان است، که این سرزمین، خاصه در دوران خسرو اول، انوشیروان، دوباره به سیطره ساسانی درمی آید.

مصر و بابل در زمان هخامنشیان در زمره شهرانی های پارسی درمی آیند؛ اما در همین زمره هم نباید بزرگسالان مالک مفتوحه و شهرانی ها، اهمیت بیشتری می یابند؛ چرا که بیشترین غله و ملزومات و هم بطور نیروهای زبده نظامی را برای این امپراتوری فراهم می آوردند.

باز این سرزمین و تمدنش؛ کنعانیان، بابوریان دینی و آئین ها و مناسک مذهبی را به نمایش می گذارند. دستگاه های کاهنی و معابد در این کشور؛ دست کمی از جلال و شکوه فراغه ندارند. بسیار از املاک و اراضی حاصلخیز به عنوان منابع درآمدی برای این معابد؛ برای قرن ها در دستان کاهنان قرار دارند. آن فاعون یا فراعنه ای، خدایان را خشنود می کردند، که در جهت مرمت و بازسازی معابد؛ در بازداشتن تندیس ها، نگارش سنگ نبشته ها و برپایی نقش برجسته ها بیشتر می کوشیدند. فراعنه ای که با دل مشغولی به حفاظت از سرحدات و انجام لشکرکشی های خارجی، از انجام کارها، بازمی ماندند؛ نهایتاً مورد غضب خدایان و پیشگویان شان قرار می گرفتند، و از اریکه به زیر می آمدند. به هر تقدیر، معابد، کاهنان و نهادهای در اختیارشان، در تاریخ و تمدن این سرزمین نقش آفریدند. طبیعی بود که پادشاهان فاتح بیگانه، همچون پارسیان، در پهن کردن سلطه و سیطره خویش در این سرزمین، بسیاری از این امکانات و منابع درآمدی معابد را از میان برداشته و از دستور کار خارج سازند؛ هر چند که همین فاتحان هم در دراز مدت درمی یافتند که برای اداره این سرزمین، همان به که این معابد را آزاد گذاشته؛ و چندان

در امور ایشان دخالت نورزند.

ایزدستان حاکم بر این سرزمین نیز، پدیده‌ای تکرارناشدنی و منحصر بفرد بود. این خدایان و الهه خدایان نیز به ضرورت و مصلحت فراعنه و پادشاهان گاه قدرت بسیاری گرفتند؛ گاه به حاشیه می‌رفتند و گاه نیز به فراموشی. خدایان با عظمتی چون آمون، ره، موت، هوروس، ست، ایزیس و ایزیریس؛ هیچ‌گاه از دستور کار معابد و فراعنه خارج نگشته؛ و هر روز که می‌گذشت؛ بر عظمت و قداست‌شان، افزوده می‌شد. البته این ایزدستان مصری، در مقایسه با ایزدستان بابلی؛ از آشفتنگی کمتری برخوردار است؛ و بررسی نقش‌ها و وظایف آسمانی‌شان آنچنان طاقت مصر پژوهان را طاق نکرده است. در تاریخ مصر، به عنوان کهن‌ترین تاریخ، زنان، ملکه‌ها و دختران‌شان، نقشی تأثیرگذار ایفاء می‌کنند. فراعنه برای ملکه‌های اصلی خود، اهمیتی ویژه قائل‌اند؛ و گه‌گاه در نبود ایشان، همین ملکه‌ها، به عنوان ثواب سلطنت، این سرزمین را اداره کرده‌اند؛ صد البته که از سلسله صاحب منصبان عالیرتبه فعال در دربارهای شاهی هم نباید غفلت ورزید. کسانی که در مراقب حاکم و خطیر به پادشاهان و ملکه‌های‌شان مدد رسانیده‌اند.

وجود این صاحب منصبان در کنار پادشاهان و ملکه‌های‌شان، نشان‌دهنده اهمیت نقش این شخصیت‌های سیاسی برجسته در دربارهاست.

البته، آنطور که در کتاب حاضر نیز می‌آید، کم‌تر سند آدم‌های معمولی بدون اصل و نسب شاهی، که با نشان خود در میان نیروهای سپاه، و هم با رتبه‌ها با یکی از شاهزاده خانم‌های درباری مشروعیت لازم را برای ادعا کردن تاج و تخت به دست آورده‌اند. شاهزادگان محلی هم در اطراف و اکناف این سرزمین بودند، که در مناطق محدودتر، حکم می‌راندند، با یکدیگر رقابت و هم‌چشمی می‌کردند؛ و گاه هم با یکدیگر کنار می‌آمدند.

تمامی سازوکارهای ضروری در حکومت‌های غرب آسیا، در تاریخ سیاسی مصر به نمایش درمی‌آیند. افول یک سلسله با حاکمیت بی‌نظمی و یاغی‌گری در سرتاسر این کشور همراه می‌شد. سارقان به معابد و مقابر شاهان و صاحب منصبان، دستبرد زده و وسائل و تجهیزات خاص تدفین را به سرقت می‌بردند؛ به طوری که اولین وظیفه سلسله جدید، بعد از برقراری نظم و قانون؛ بازگرداندن این وسائل و در عین حال جابجا کردن

مومیایی‌های این شاهان و اطرافیانش بود؛ بدان هدف که در امن و امان قرار گیرند. وجود کتیبه‌ها یا سنگ نبشته‌های میخی، شاید مهمترین راهنمای مصر پژوهان از دو‌یست سال پیش به این طرف بوده باشد. این نوشته‌ها به اندازه اهرام، معابد، مقابر، و دیگر یادمان‌ها و آثار تاریخی، به این پژوهندگان مدد رسانده است.

همان طور که گفته آمد، در بررسی تاریخ سوریه، آشوریان و هیتی‌ها، پای بخشی از تاریخ مصر هم به میان می‌آید. مصریان در سوریه و فلسطین منافعی داشتند و برای قرن‌ها، این سرزمین‌ها را در سیطره خود حفظ کردند؛ در نتیجه مجبور بودند با قدرت نوظهور امپراتوری آشور، که چشم به سوریه و فلسطین داشت، دست و پنجه نرم کنند، و یا هنگامی که شویلو لیوماش، مقتدرترین پادشاه هیتی‌ها، تا سرحدات مصر به پیش تاخت؛ شاهان این سرزمین برای مقابله با وی به حرکت درآمدند. در حوزه ادیان ابراهیمی هم، باز این سرزمین به نوعی در این ارتباط نقش ایفاء می‌کند؛ که در این میان از آیات کتاب ابراهیم، خاصه قرآن کریم نباید غافل شویم؛ که بسیار راهگشایند. موسی، در این سرزمین و فرعون آن شورید؛ یوسف در این سرزمین به عزت رسید؛ پس مصر، در تاریخ ایران هم نقش ایفاء می‌کند؛ همچنین است نقش این سرزمین در دوره تاریخ اسلامی. داستان‌های آمده در این رابطه آنقدر تأثیرگذار و نافذ بوده‌اند؛ که رد پای شان تا به ادبیات دوره اسلامی در ایران نیز رسیده است. الا ای یوسف مصری که کردت سلطنت مغرور

پدر را باز پرس آن کجا شد مهر فرزندی

تیمور قادری

۱۳۹۴/۹/۲۲